



Neighborhood-Oriented Tourism with a Participatory Development Approach (Case Study: Ekbatan Neighborhood of Tehran)

Ali Shakoori¹ | Zahra Raji²

1. Corresponding Author, Department of Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: shakoori@ut.ac.ir

Department of Social Planning, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: zahra.raji@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 20 February 2024

Received in revised form:

22 June 2024

Accepted: 10 July 2024

Published online:

15 September 2024

Keywords:

Neighborhood development,
cooperative development,
Tehran, Ekbatan,
neighborhood.

ABSTRACT

In recent decades, with the paradigm shift in the literature of urban development toward a rational and populist theoretical orientation, the emphasis on local development through appropriate strategies has been recognized as one of the effective alternatives for urban development. Tourism has been regarded as one of the most critical urban development strategies at the neighborhood and local community levels in recent years. Evaluation of the feasibility of this methodology in Ekbatan is the objective of this investigation.

According to the purpose and nature of this research, a qualitative method has been used to collect data. For this purpose, interviews were conducted with 17 experts in the fields of tourism and urban planning.

The results indicate that the neighborhood in question has the potential to develop into a contemporary tourism destination that is primarily populated by educated visitors with cultural and social preferences, as well as those who are interested in architecture and urban revitalization. This is subject to taking into account the prerequisites, drivers and capacities and removing the limitations at the local, meso and macro level.

In conclusion, the participatory development paradigm in the context of neighborhood tourism is substantiated by this research. It also validates the potential to convert local modern potential into a marketable product within the tourism system, surpassing public/government intervention models, which frequently impose themselves on the reality of the neighborhood or are stereotyped.

Cite this article: Shakoori, A. & Raji, Z. (2024). Neighborhood-Oriented Tourism with a Participatory Development Approach (Case Study: Ekbatan Neighborhood of Tehran). *Community Development (Rural and Urban)*, 16 (1): 27- 42. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.375380.668855>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.375380.668855>

گردشگری محله محور با رویکرد توسعه مشارکتی

(مورد مطالعه: محله اکباتان تهران)

علی شکوری^۱ | زهرا راجی^۲۱. نویسنده مسئول، گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: shakoori@ut.ac.ir۲. گروه برنامه ریزی اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: zahra.raji@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	در دهه های اخیر، هم زمان با تحول پارادایمی در ادبیات توسعه شهری با جهت گیری نظری خردنگرانه و مردم گرایی، تأکید بر توسعه محلی از طریق راهبردهای مناسب به عنوان یکی از آلت رناتیوهای مؤثر برای توسعه شهری قلمداد شده است. در این راستا، گردشگری در سال های اخیر در سطح محله ها و اجتماعات محلی به عنوان یکی از مهم ترین راهبردهای توسعه شهری مورد توجه قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی امکان تحقق این رویکرد در شهرک اکباتان است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱	با توجه به هدف و ماهیت این پژوهش، از روش کیفی برای گردآوری داده ها استفاده شد. بدین منظور با ۱۷ صاحب نظر حوزه گردشگری و برنامه ریزی شهری مصاحبه صورت گرفت.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۲	یافته ها نشان می دهد محله مورد مطالعه توان تبدیل شدن به یک محله گردشگری مدرن را دارد که عمدتاً از بازدیدکنندگان تحصیل کرده با ذائقه های فرهنگی و اجتماعی و همین طور معماری و احیای شهری تشکیل شده باشد. این امر مشروط به لحاظ کردن پیش شرطها، پیشرانها و ظرفیتها و مرتفع کردن محدودیتها است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰	به عنوان نتیجه، این پژوهش مدل توسعه مشارکتی را در قالب گردشگری محله ای تأیید می کند. بدین معنی که این مدل در امکان تبدیل پتانسیل های مدرن محلی به محصولی قابل عرضه در سیستم گردشگری، مؤثرتر از مدل های مداخله ای عمومی و دولتی است که غالباً مدل های کلیشه ای اند و خود را بر واقعیت محله تحمیل می کنند.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۶/۲۵	
کلیدواژه ها:	
توسعه محله ای، توسعه مشارکتی، تهران، گردشگری، محله اکباتان.	

استناد: شکوری، علی و راجی، زهرا (۱۴۰۳). گردشگری محله محور با رویکرد توسعه مشارکتی (مورد مطالعه: محله اکباتان تهران). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۱۱۶(۱): ۲۷-۴۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2024.375380.668855>



۱. مقدمه و طرح مسئله

در دهه‌های اخیر با تحول پارادایمی در ادبیات توسعه شهری با جهت‌گیری نظری خردنگرانه و مردم‌گرایانه، پیوسته توسعه محلی از طریق راهبردهای مختلف در دستور کار برنامه‌ریزان و سازمان‌های ذی‌ربط قرار گرفته است. از این‌رو، مطالعات نظری و کاربردی در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، صاحب‌نظران و متخصصان امور شهری را به چرخش محسوسی به سوی نظام‌های دموکراتیک شهری سوق داد. به‌ویژه این چرخش در آغاز هزاره سوم، همراه با رشد سریع کلان‌شهرها و شهرهای میانی، نارسایی سیستم‌های مدیریتی پیشین و عدم تأمین نیازهای پایه ساکنان شهری در سطوح خرد برجسته‌تر شد. دستورالعمل‌ها و تأکیدات سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در سال‌های اخیر بر پیگیری و سازمان‌دهی فرایندهای دموکراتیک در نواحی شهری، اهمیت این جهت‌گیری را در سطوح تصمیم‌گیری و اجرا نشان می‌دهد. در این راستا، توسعه‌گران شهری به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه دریافتند که مقابله واقع‌بینانه با چالش‌های متعدد توسعه‌ای شهری با پیروی از الگوها و طرح‌های توسعه محلی و پیگیری از طریق اتخاذ راهبردهای متعدد و مناسب اهداف مردم‌محور آن‌ها میسر خواهد بود (پورتر^۱، ۲۰۰۲). هم‌زمان با این تحولات، به قول مولینز^۲ (۲۰۰۹)، توسعه شهرها در جهان از کارکردهای سنتی مانند تولید، تجارت و مسکن به عرضه تنوعی از محصولات فراغتی-تفریحی و اجتماعی و فرهنگی تغییر یافتند. به موازات آن گردشگری در سطح محله‌ها و اجتماعات محلی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردهای توسعه شهری در دستور کار قرار گرفت.

در کل، شهرها به‌طور سنتی مقاصد گردشگری، قطب‌های حمل‌ونقلی، دروازه‌هایی برای سفرها و لنگرگاه‌های اقتصادی از طریق اقامت و فعالیت‌های گردشگران بوده‌اند؛ بنابراین، گردشگری نه‌تنها یک کارکرد شهری، بلکه یک محرک مولد ارزش با مزایای بالقوه برای بخش‌های متعدد داشته است (پسکوینلی^۳، ۲۰۱۶). با تحول رویکردی در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از اجتماعات شهری به اهداف جدید مصرف، کالایی‌شدن و تجاری‌شدن با راهبردهای جدیدی مانند توسعه گردشگری محله‌ای به‌منظور احیای محلی مبدل شدند (ایمایی^۴، ۲۰۱۲)؛ به‌طوری‌که گردشگری محله‌ای^۵ یکی از اشکال گردشگری شهری است که در سال‌های اخیر، به موازات تغییرات کیفی در زندگی افراد (افزایش تحصیلات عالی، گسترش ارتباطات و...) و به‌تبع آن تغییر در علایق و ذائقه‌های اجتماعی و فراغتی، اهمیت پیدا کرده است. آن‌گونه که اجل^۶ و همکاران (۲۰۰۸) عنوان کرده‌اند، از آنجا که این گرایش سبب نوعی تصور خوشایند مردم محلی را به شهر یا محله‌شان به‌عنوان یک مکان ارزشمند برای بازدید می‌شود، به‌خصوص در متروپول‌ها و گاهی در شهرهای کم‌رونق یا رو به انحطاط با کارکردهایی چون تقویت هویت و دلبستگی مکانی همراه بوده است.

ایده اصلی در گردشگری محله‌ای، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهفته محله‌ها یا ایجاد و احیای ظرفیت‌های است که می‌توانند به‌عنوان جاذبه جدید گردشگری مطرح شوند که قدمت چندانی ندارند و فاقد جاذبه‌های سنتی و معمول (تاریخی، میراثی و...) گردشگری‌اند (حبیبی و همکاران، ۱۳۷۱). داشتن منابع، یکی از وجوه لازم برای توسعه گردشگری و مهم‌تر از آن توانایی تبدیل این منابع به محصولات قابل عرضه است. از این منظر مناطق با ظرفیت پایین گردشگری می‌توانند با حداقل دارایی‌های گردشگری خود به مقاصد یا جاذبه‌ای برای بازدید تبدیل شوند. این رویکرد در مدیریت شهری، در احیا یا تبدیل مکان‌های فراموش‌شده به سایت‌های گردشگری به‌ویژه در شهرهای بزرگ با قدمت تاریخی بالا نمود یافته است (هاگت، ۲۰۰۴؛ بوک، ۲۰۱۵).

1. Porter

2. Mullins

3. Pasquinelli

4. Imai

5. Neighborhood tourism

6. Edgell

همین‌طور به دلیل اولویت گردشگران، لذت‌بردن از فرهنگ و سبک زندگی روزمره مردم در محله‌ها در کنار بازدید از بناهای تاریخی و اماکن میراثی است. برخی محققان مانند اسمیت (۲۰۱۶)، ریچاردز (۲۰۱۸) و روهانن^۱ (۲۰۰۷) گردشگری محله‌ای را همسان با گردشگری فرهنگی^۲ تلقی می‌کنند که به لحاظ پیامدهای آموزشی و اجتماعی شایسته توجه و مطالعه است. تأکید آن‌ها غالباً براساس مطالعه سازمان جهانی گردشگری در سال ۲۰۱۸ است که سهم گردشگری فرهنگی نزدیک به ۴۰ درصد از کل گردشگران را تشکیل می‌دهد. این درصد، اهمیت مقاصد مرتبط را نشان می‌دهد. براساس دیدگاه این محققان، شکل خاصی از گردشگری فرهنگی مدرن که در دهه ۱۹۹۰ بیشتر رواج یافت، غالباً به میراث و هنر اختصاص داشت و گردشگران غالباً از افراد تحصیل کرده و نسبتاً مرفه بودند. این رویه اما به تدریج به شکل گردشگری انبوه به‌ویژه در شهرها تبدیل شد که جنبه‌های متعدد زندگی روزمره محلی را دربرمی‌گرفت.

به‌علاوه، اگر از منظر دیدگاه سیستمی به توسعه پایدار شهری نگریسته شود، محله‌ها یکی از اندام‌های اساسی سیستم شهری را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، بر رویکرد جدید به‌عنوان بنیان بسیاری از سیاست‌ها و روش‌های توسعه شهری تأکید شده است. از این منظر، موضوع توسعه با تأکید به محله‌های مختلف (قدیمی و جدید) ضرورت‌های مختلفی را در کشورهای مختلف از جمله کشور ما به‌ویژه شهرهای متروپل مطرح می‌سازد.

تهران از مهم‌ترین و درعین‌حال بزرگ‌ترین شهرهای کشور به لحاظ جاذبه‌های سیاسی، تاریخی و اقتصادی با تنوع زیادی از محله‌های قدیم و معاصر است. غالباً اشتهار محله‌های قدیمی بیشتر مورد توجه بوده و عموماً نیز مرکز ثقل بازدیدکنندگان بوده است (احمدی و جهانگرد، ۱۳۹۷). این به معنی فراموشی محله‌های دیگر خصوصاً محله‌های معاصر است؛ چنان‌که در مطالعات اخیر تأکید می‌شود این محله‌ها می‌توانند ظرفیت‌های جدید گردشگری تلقی شوند (بوک، ۲۰۱۵؛ متیالی و اولاف، ۲۰۱۹). براین اساس بر این باوریم که محله‌های معاصر تهران از جمله اکباتان در غرب آن می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، این پژوهش به این سؤال پاسخ می‌دهد که امکان رونق گردشگری محله‌ای در یک منطقه معاصر تهران مانند اکباتان وجود دارد یا خیر و اگر بله چگونه میسر است.

۲. پیشینه تحقیق

مروری بر مطالعات قابل‌دسترس درخصوص گردشگری محلی و ابتکار محلی نشان می‌دهد آن‌ها بر دو محور متمرکزند:

۱. عنصر روایتگری و داستان‌سرایی^۳: مطالعات نشان می‌دهد این عنصر نوعی مشارکت محله در فرایند جذب گردشگری است و در محله‌های معاصر بدون پشتوانه تاریخی یکی از راهکارهای مشارکتی-محلی است که طرف عرضه را تقویت یا ایجاد می‌کند؛ برای نمونه، باسانو و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه «داستان‌سرایی در مورد مکان‌ها: بازاریابی گردشگری در عصر دیجیتال» به موضوع داستان‌سرایی درباره مکان‌ها، محله‌ها به‌عنوان ابزاری برای افزایش شهرت مناطق پرداختند. نتایج نشان داد داستان‌سرایی در بخش گردشگری قادر به تعریف هویت و بهبود شهرت سیستم‌های خدمات گردشگری است. الکساندرا (۲۰۱۵) نیز در «داستان‌گویی ترانس مدیای مبتنی بر مکان»، به شکوفاشدن این ژانر داستان‌گویی با هدف سرگرمی و بازاریابی پرداخت. در این پژوهش به نقش گردشگری در داستان‌سرایی اشاره شده است. مطابق یافته‌ها، داستان‌سرایی می‌تواند در آینده به‌عنوان یک راهبرد بازاریابی و ارتباطات

1. Smith, Richards, Ruhanen

2. Cultural tourism

3. Story telling& narration

گردشگری مورد استفاده قرار گیرد. موسکاردو (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «داستان و طراحی در گردشگری» به بررسی استفاده از داستان‌ها به‌عنوان مفهومی برای هدایت طراحی ابعاد مختلف گردشگری پرداخت. او در این پژوهش با بررسی مطالعات گسترده‌تر علوم اجتماعی درباره نقش مهم داستان در تجربه انسانی به موضوعات اصلی مرتبط با داستان‌ها و تجربه گردشگری موجود به‌ویژه در مورد مکان‌های خاص از جمله محله‌های شهری پرداخت.

۲. تغییر در ماهیت گردشگری معاصر: این تغییر گرایشی نوظهور را در عرصه گردشگری به‌وجود آورده است؛ برای نمونه، میلانو و مانسیلا (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان «تبدیل‌شدن به مرکز: مکان‌سازی گردشگری و تولید فضا در دو محله بارسلون» نتیجه گرفتند که تحولات اقتصادی و اجتماعی مدرن موجبات تبدیل محله‌های شهری به جاذبه‌های گردشگری را فراهم آورده است. آن‌ها به‌طور اخص به «مدل بارسلونا»^۱ به‌عنوان مدل موفق از نظر بازآفرینی شهری اشاره کردند که بیانگر دگرگونی شهر در حال شکستن مرزهای نمادین مناطق پیرامونی و گنجاندن جاذبه‌های جدید است. به‌زعم آن‌ها، این هم به معنی مشارکت‌دادن محله در فرایند توسعه گردشگری و هم معرف همراهی ساکنان محله و رضایت آن‌ها از این فرایند است. بوک^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه «تغییر ماهیت گردشگری شهری و پیامدهای احتمالی آن برای آینده شهرها» به این نتیجه رسید که علاوه بر گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیده‌های سفر تجربی و شتاب اجتماعی به افزایش محبوبیت گردشگری محله‌ای و شهری کمک کرده است. به باور او، این نشان از برجسته‌شدن جایگاه محله در گردشگری شهری و حاصل مشارکت نهادهای برنامه‌ریز شهری و همکاری محلی در بازآفرینی یا ایجاد مقاصد خرد گردشگری در دل گردشگری شهری دارد. همچنین سرتیبی اصفهانی (۲۰۲۲) در مطالعه «محله به‌مثابه امکانی برای جذب گردشگر: همبستگی اجتماعی عمل قوام حیات محله» به فاصله‌گرفتن مقاصد گردشگری از موزه‌ها و اماکن تاریخی و ورود به عرصه‌ای جدید برای کسب تجربیات متفاوت به‌عنوان تحول کیفی در گردشگری معاصر یاد کرد.

۳. تأملات مفهومی و نظری

با توجه به محور اصلی این پژوهش یعنی توسعه محلی از طریق گردشگری محله‌ای، طیفی از مفاهیم و رویکردها قابل‌بحث‌اند که در زیر به‌اجمال مرور می‌کنیم.

۳-۱. مفاهیم

محله: در سلسله‌مراتب تقسیمات شهری، محله یکی از بخش‌های کوچک شهر به‌شمار می‌آید و از خانه‌های مجاور هم در یک فضای جغرافیایی خاص تشکیل می‌شود. محله به‌لحاظ ایجاد حس تعلق مکانی در افراد، از چنان جایگاهی برخوردار است که خانواده‌ها نسبت به آن همان احساس خانه مسکونی خود را دارند و با ورود به محله، خود را در یک محیط آشنا و خودی می‌بینند (شکوئی، ۱۳۷۱: ۴۸). محله در بسیاری از تعاریف یک منطقه جغرافیایی است که در آن تعاملات اجتماعی رخ می‌دهد. بر این مبنا، توسعه محله‌ای، یک ایده از انسجام اجتماعی با تأکید بر مکانی است که از تقویت قدرت ساکنان برای ارائه ارزش‌های مشترک، رفع مسائل و حفظ کنترل اجتماعی ایجاد می‌شود. در این زمینه می‌توان به دیدگاه مک‌میلان و چاوایس^۳ (۱۹۸۶) اشاره کرد که از مفهوم «احساس جامعه» برای مشخص کردن اهداف توسعه محله‌ای در چهار بعد «عضویت»، «تأمین نیاز»، «نفوذ» و «روابط اجتماعی همسو»

1. Barcelona model

2. Bock

3. Mac Millan & Chavis

استفاده می‌کنند. براین اساس، هویت محله در تماس و ارتباط با همکاران معنا پیدا می‌کند. این تعریف درست در نقطه مقابل محله‌هایی قرار می‌گیرد که حس اجتماع در آن‌ها کم‌رنگ است (دریلینگ به نقل از وارن، ۱۹۷۸).

توسعه محلی و برنامه‌ریزی مبنا: به‌طور کلی توسعه محله‌ای به پاسخگویی به نیازهای روزمره ساکنان یک محله شهر با حداکثر اتکا به منابع، توان، ارزش‌ها و مشارکت درونی آن محله اشاره دارد که در واقع نوعی برنامه‌ریزی برای توسعه شهر آن هم در سطحی محدودتر و خرد است. این نوع برنامه‌ریزی فرایندی از کنش‌های متقابل مداوم را شامل می‌شود که به تغییرات یا تأثیرگذاری بر اجتماع از برخی جهات می‌انجامد (حاجی‌پور، ۱۳۸۵). مفهوم برنامه‌ریزی محله‌مبنا نیز بر همین اساس مطرح شده است و به‌نوعی مهندسی اجتماعی اشاره دارد که به‌جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی به ابعاد مشخص فضا-زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد. همچنین به‌جای پرداختن به توده مکانیکی و غیرقابل‌مدیریت کلان‌شهری به واحدهای ارگانیکی مشخص یعنی محله‌های شهری می‌اندیشد. در واقع این رویکرد در پی شناخت سرشت ویژه هر محله و ناحیه شهری است که توسط فرضیات قراردادی کلان و شهر مقیاس متوقف، پنهان یا به‌راحتی فراموش شده است. و در آن بر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنان محله‌ها در قالب نگرش دارایی مبنا تأکید می‌شود (همان).

گردشگری محله: گردشگری محله یکی از شکل‌های جدید گردشگری است که در طبقه‌بندی کلی یکی از زیرگروه‌های گردشگری شهری تقسیم‌بندی و از نظر حجم و وسعت مقصد نیز مترادف با انواعی از گردشگری مانند گردشگری روستایی و گردشگری اجتماع‌محور یا جماعت‌محور تعریف می‌شود. همین‌طور با توجه به هدف و انگیزه بازدید گردشگران، گاهی در حوزه گردشگری فرهنگی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. براساس گزارش یورو مانیتور^۱ (۲۰۱۵)، تعامل با افراد محلی از ویژگی‌های ذاتی گردشگری شهری است که آن را از دیگر انواع گردشگری متمایز می‌کند. تغییر ماهیت گردشگری شهری از بازدید از مکان‌های تاریخی و طبیعی صرف، به تجربه‌های محلی و تعامل با ساکنان محلی از مشخصه‌های تغییر ذائقه بازدید گردشگران عصر مدرن است که باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه شهری، این نوع گردشگری در برنامه‌ها و طرح‌ها لحاظ شود. براساس آن گزارش، ارتباط با مردم محلی به‌عنوان ویژگی برجسته گردشگری شهری امروز است که شاهد بروز علایق جدید در بین گردشگران و به‌تدریج شکل‌گیری نوعی از گردشگری به نام گردشگری محله‌ای شده است که خود را از تعامل میان محله و گردشگری نمایان می‌سازد.

۲-۳. رویکردها

رویکردهای مرتبط با هدف پژوهش عمدتاً ناظر به آن‌هایی است که ذیل عنوان محله‌محوری قرار می‌گیرند و به محله، ساکنان، تعامل و مشارکت آن‌ها در فرایند توسعه و برنامه‌ریزی تأکید دارند. این رویکردها به سازوکارها، اهمیت و پیامدهای مشارکت مردم اشاره دارند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم. برای روشن‌شدن ابعاد این رویکردها بهتر است ابتدا درباره محله‌محوری به‌اجمال بحث شود.

توسعه محله‌محور: آلبرتی (۱۹۹۱) به‌طور خیلی مشخص درباره ویژگی‌های رویکرد محله‌محوری در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری این‌گونه مطرح می‌کند: شروع و آغاز آن با انتقاد از وضعیت موجود است؛ مستلزم ترکیب آگاهی و عمل است؛ پیوسته است و در زمان واقعی مرتبط با واقعیات زندگی روزمره اتفاق می‌افتد؛ در تصمیم‌گیری‌ها اصل عدم تمرکز را رعایت می‌کند؛ به‌دنبال دستیابی به عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی است؛ تسهیل توسعه انسانی و بهبود کیفیت زندگی را مدنظر دارد؛ بسیج نیروهای محله و

^۱. Euromonitor international

ظرفیت‌سازی، عملیاتی‌کردن مشارکت به مفهوم حضور گروه‌های متنوع ذی‌نفعان در فرایند طرح و اجرای برنامه‌ها، آسان‌سازی تعاملات درون محله و کمک به ارتباط و تعامل افراد و گروه‌های محله برای تبادل را در نظر می‌گیرد. تمام این تدابیر و سازوکارها می‌تواند موجب اجرای بهتر طرح‌های توسعه‌ای در سطح محله شود. گفته می‌شود که سرمایه اجتماعی عنصر سازنده محله و حاصل هزاران کنش متقابل روزانه مردم است. سرمایه اجتماعی ماده خام فرایند ظرفیت‌سازی است که خود پیش‌نیاز توسعه محله به‌شمار می‌آید. سرمایه اجتماعی در فرایندی از پایین به بالا، با شکل‌گیری پیوندها و شبکه‌های اجتماعی و بر مبنای اصول اعتماد، عمل متقابل و هنجارها به‌وجود می‌آید. به‌طوری‌که کوک^۱ (۱۹۸۲) اشاره می‌کند، توسعه محله مستلزم داشتن نگرش متناسب و تمرکز بر نیازهای محلی، کمبودها و مشکلات محله است. از این‌رو توسعه محله‌محور قربت زیادی با رویکردهای هم‌پوشان و مرتبطی مانند توسعه اجتماع‌محور، رویکرد مشارکتی، رویکرد دارایی‌مبنا با پیشوند یا پسوندهای گردشگری دارد.

رویکرد دارایی‌مبنا: می‌توان گفت در کنار تحول پارادایمی، تجارب و واقعیت‌های موجود سبب شده است تا توجه از نیازها و مشکلات، در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه محله‌ها، به دارایی‌ها و منابع معطوف شود. این واقعیت‌ها عبارت‌اند از: الف) در نظر گرفتن محله به‌مثابه فهرستی طولانی و پرتنوع از مشکلات و نیازها موجب می‌شود تا راه‌حل‌های ارائه‌شده دچار چندپارگی و عدم انسجام شوند. ب) تخصیص منابع براساس نیازها سبب می‌شود منابع به‌جای ساکنان محله، در اختیار ارائه‌دهندگان خدمات قرار گیرد و این چیزی است که لزوماً همیشه مفید و عادلانه و مؤثر به حال محله نیست. پ) اگر مبنای تخصیص منابع به محله‌ها میزان مشکلات و نیازهایشان باشد، تلاش نمایندگان یا مسئولان محله‌ها بر این خواهد بود که مشکلات و ضعف‌های محله خود را بیشتر و بزرگ‌تر توصیف کنند و این نکته‌ای منفی در شیوه راهبردی و عاملی مخرب برای هویت محله‌ها است. رویکرد نیازمبنا موجب این برداشت می‌شود که تنها متخصصان خارج از محله‌ها می‌توانند به محله و حل مشکلات آن کمک کنند که سبب غفلت از توان بالقوه مشارکت و رابطه تنگاتنگ ساکنان محله در حل معضلات خود می‌شود. رویکرد نیازمبنا در بهترین حالت، موجب ادامه حیات و نجات از نابودی محله‌ها می‌شود و هیچ‌گاه سبب تغییرات جدی پیشرفت و توسعه محله نمی‌شود.

رویکرد توسعه اجتماع‌محور: گردشگری اجتماع‌محور به توسعه‌ای اشاره دارد که جامعه در آن نقشی جدی بازی کند. از دیدگاه سوانسری (۲۰۰۳) گردشگری اجتماع‌محور باید پایداری اجتماعی، اقتصادی، محیط‌زیستی و فرهنگی را در نظر بگیرد و از طریق جامعه محلی، برنامه‌ریزی و مدیریت‌محور قلمداد شود. به‌زعم کوک (۱۹۸۲) در گردشگری اجتماع‌محور، رویکرد اجتماعی به گردشگری از پایین به بالا است. بر این اساس، برنامه‌ریزی برای گردشگری در وهله اول، اهداف، نیاز و خواسته‌های ساکنان را در اولویت قرار می‌دهد و با مجوز آن‌ها، جاذبه‌های محلی را به گردشگران معرفی می‌کند. از منظر فیگیس و بوشل^۲ (۲۰۰۷) اگر حقوق و نگرانی‌های جامعه محلی از طریق برنامه‌های توسعه از جمله توسعه گردشگری نادیده گرفته شود، حتی اگر غیرقانونی هم نباشد، باخت به حساب می‌آید؛ زیرا مشارکت جوامع محلی در توسعه گردشگری در داخل و اطراف مناطق حفاظت‌شده گردشگری برای پرکردن شکاف میان حاکمیت و بهره‌برداری از منابع در مقصد دارای اهمیت زیادی است. از این‌رو، رابطه بین گردشگری و جوامع محلی، یک رابطه دوطرفه است که می‌تواند به نفع هر دو تمام شود (جمال و استرونزا^۳، ۲۰۰۹)؛ چراکه ساکنان محلی نیز می‌توانند بر حفاظت از محیط‌زیست با توجه به دانش بومی خود نظارت مستمر داشته باشند (موگاندا، ۲۰۱۳).

1. Thomas Cook

2. Figgis & Busell

3. Jamal & Stronza

رویکرد توسعه مشارکتی: تأکید بر مشارکت در فرایند توسعه محلی مبتنی بر سه اصل است: نخست، چون توسعه برای مردم است باید با مردم و به نفع ساکنان محلی باشد؛ ساکنان محلی دقیق‌ترین اطلاعات را دربارهٔ محله و موضوعات مرتبط با آن دارند. مردم بیشترین تأثیرات را از تصمیم‌ها می‌پذیرند؛ بنابراین منطق حکم می‌کند که سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری داشته باشند. میچل^۱ (۱۹۹۷) معتقد است مهم‌ترین اصل در فرایند توسعه حقیقی از جمله توسعه گردشگری، مشارکت یا حمایت جامعه محلی است. توسعه واقعی به قول بروکاج، جز با تغییر در خط‌مشی‌ها و تغییر جهت به سوی جلب حمایت مردمی و اجرای برنامه‌های جماعت‌محور و لحاظ کردن مردم و خصوصاً ذی‌نفعان میسر نیست (۲۰۱۴: ۱۰۴).

رویکرد مبادله: براساس نظریهٔ مبادله و عقلانیت ماهوی، حمایت مردم تحت تأثیر عوامل متعددی مانند منافع و عواید اقتصادی و سایر ارزش‌های ادراک شده قرار دارد. به عبارتی، تا زمانی که ساکنان مناطق گردشگری، منافع گردشگری را بیش از هزینه‌های آن ادراک کنند، به حمایت از توسعهٔ این صنعت در محل زندگی خود ترغیب نخواهند شد و در نتیجه نگرش مثبتی به آن نخواهند داشت (پردو و همکاران، ۱۹۹۰). میچل و فیلد (۲۰۰۰) هم نشان می‌دهند مقاصد موفق گردشگری آن‌هایی‌اند که به‌طور فعال بخش مهمی از ساکنان را در برنامه‌ریزی‌ها و انجام طرح‌ها دخالت می‌دهند. برای اینکه برنامه‌ریزی مشارکتی که در آن تصمیمات با همکاری متقابل ذی‌نفعان مانند کارگزاران دولت و مردم و فعالان کسب‌وکار گرفته می‌شود، به‌سهولت اجرا می‌شود، منابع مؤثر و کارآمد به خدمت گرفته می‌شود، از هزینه‌های بالقوهٔ حل تعارضات میان ذی‌نفعان در درازمدت اجتناب می‌شود، سبب تقویت ارتباطات مسئولانه بین ذی‌نفعان می‌شود و عملاً به پیامدهای باکیفیت و پایدارتر می‌انجامد. هرچند در ادبیات توسعهٔ مشارکتی وانمود می‌شود که مردم مهم‌اند، هستهٔ اصلی این رویکرد، لحاظ کردن صحیح کارگزاران مرتبط در فرایند توسعه است. برای اینکه به قول هایر و همکاران^۲ (۱۹۸۱)، توسعه مجموعهٔ پیچیده‌ای از نهادها و اقداماتی است که «منافع چندگانه و گاهی متناقض» را دربرمی‌گیرد. در توسعهٔ گردشگری محله‌ای، این منافع و کارگزاران متعدّدند. به‌طور اخص می‌توان از دولت، نهادها و سازمان‌های دولتی و عمومی، مردم محلی و امثال آن نام برد. به‌علاوه، چون محله به‌عنوان مقصد گردشگری در طرف عرضهٔ المان‌های گردشگری قرار دارد، وجود جاذبه‌ها (تاریخی-میراثی، طبیعی و...) و امکانات و تسهیلات مانند حمل‌ونقل و اقامتگاه و... از شرایط لازم جذب بازدیدکننده توصیف می‌شود. از منظر رویکرد گردشگری محله‌ای، چون محله‌های معاصر فاقد سابقهٔ تاریخی طولانی و عناصر سنتی گردشگری‌اند، قاعدتاً مشارکت محله و عرضهٔ عناصر محلی بالقوه است که مهم تلقی می‌شود و از این‌رو، مستلزم ابتکار محلی است و بدون همکاری مردم محلی میسر نیست.

با توجه به ادبیات فوق می‌توان گفت گردشگری محله‌ای، گونه‌ای از گردشگری است که در آن جامعه ابزار و هدف توسعه تعریف می‌شود. از آنجا که توسعه یک فرایند تغییر را دربرمی‌گیرد چندگانه و مستلزم لحاظ کردن همهٔ کارگزاران مرتبط است. برای اینکه عملاً مجموعهٔ پیچیده‌ای از نهادها و اقدامات را شامل می‌شود که منافع چندگانه و حتی در مواردی متناقض را درگیر می‌کند که مستلزم لحاظ کردن همهٔ این‌هاست. در توریسم محله‌ای که اخیراً در ادبیات مطرح شده و عموماً بر نقش محله‌های جدید با المان‌های غیررایج تأکید شده، فرض بر این است که در کنار طرح‌ها و برنامه‌های خارج از محله، بدون مشارکت محله و ابتکارات محلی، شکل‌گیری پایدار این گردشگری دشوار است.

^۱. Michael

^۲. Heyer

۴. روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، امکان‌سنجی تحقق گردشگری محله‌محور در شهرک اکباتان است. بدین ترتیب از روش کیفی^۱ بهره گرفته شد. داده‌های پژوهش با اتکا به ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۲ و مشارکت صاحب‌نظران و فعالان حوزه گردشگری گردآوری شدند. داشتن مدرک تحصیلی مرتبط با گردشگری و برنامه‌ریزی شهری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری یا سابقه فعالیت حداقل پنج‌ساله در حوزه گردشگری و برنامه‌ریزی شهری، از معیارهای ورود مشارکت‌کنندگان به پژوهش بود. نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت هدفمند (قضاوتی)^۳ صورت پذیرفت و از مشارکت ۱۷ صاحب‌نظر و فعال حوزه‌های مربوط بهره گرفته شد. فرایند اجرای مصاحبه‌ها تا اشباع نظری^۴ ادامه یافت. به دلیل عدم سهولت در دسترسی به تمامی مشارکت‌کنندگان، شماری از مصاحبه‌ها به صورت برخط^۵ صورت پذیرفت. به منظور تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شد. بدین ترتیب که پس از مکتوب کردن داده‌ها، خوانش دقیق و جمله به جمله آن‌ها صورت پذیرفت و مفاهیم مرتبط از خلال این خوانش استخراج شدند. سپس مفاهیم مرتبط به لحاظ معنایی ذیل مقوله‌های واحدی قرار گرفتند و در مرحله نهایی ارتباط مقوله‌ها با مضمون محوری مشخص شد. به منظور تضمین اعتماد و اعتبار در پژوهش نیز تلاش شد مکتوب کردن مصاحبه‌ها به دقت صورت پذیرد. با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان، مصاحبه ضبط شد و نتایج پژوهش در اختیار شماری از مشارکت‌کنندگان و دو داور خارجی قرار گرفت. گفتنی است نتایج از منظر مشارکت‌کنندگان و داوران خارجی با نقصان، خلل یا ابهامی مواجه نبود. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان پژوهش در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. ویژگی جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

جنسیت	زن	۶
	مرد	۱۱
تحصیلات	کارشناسی ارشد	۹
	دکتری تخصصی	۸
حوزه فعالیت	گردشگری	۱۲
	برنامه‌ریزی شهری	۵
جایگاه شغلی	مدرس	۶
	پژوهشگر	۳
	راهنمای گردشگری	۵
	سیاست‌گذاری/برنامه‌ریزی شهری	۳
سابقه فعالیت	۵ تا ۱۰ سال	۴
	۱۰ تا ۱۵ سال	۹
	بیش از ۱۵ سال	۴

۱. Qualitative method

۲. Semi-structured interview

۳. judgmental

۴. Theoretical saturation

۵. online

۵. یافته‌های پژوهش

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، پژوهش پیش‌رو به‌منظور امکان‌سنجی تحقق گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان صورت پذیرفته است. با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های شهرک اکباتان به‌عنوان یک محله معاصر، امکان اجرای ایده گردشگری محله‌ای در این شهرک وجود دارد. براساس نتایج پژوهش، یکی از مهم‌ترین وجوه اجرای برنامه‌های گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان، راه‌اندازی تورهای تخصصی است؛ مانند ۱. تور سیر تحول معماری در اکباتان، ۲. تور تلفیقی اکباتان و جاذبه‌های اطراف آن، ۳. تور قصه‌گویی و روایت‌سرایی، ۴. تور جنایی، ۵. تور اجتماعی برای خبرنگاران و فعالان اجتماعی، ۶. تور گردشگری فیلم، ۷. تور آموزشی، ۸. کتاب‌گردی، ۹. برگزاری کارگاه آموزشی، ۱۰. تور شهرسازی، ۱۱. تشکیل گروه‌های ورزشی، کتاب‌خوانی، محیط‌زیستی و گردشگری، ۱۲. تبدیل خانه مشاهیر و بزرگان شهرک به موزه، ۱۳. نصب یادبود از مکان و رویدادها و ۱۴. بهره‌برداری از فضاهای عمومی و محوطه باز شهرک برای اجرای برنامه‌های گردشگری مانند موسیقی زنده. یافته‌های پژوهش گویای آن است که تحقق این شکل از گردشگری در منطقه مورد مطالعه در صورت تحقق مقوله‌ها و مفاهیمی میسر است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

شناسایی ویژگی‌های محله مانند ویژگی‌های کالبدی شامل ویژگی‌های تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی مفاهیم گنجانده‌شده در مقوله مذکورند. شناسایی ویژگی‌های هر منطقه نخستین گام در راستای اجرای طرح‌ها از جمله طرح‌های گردشگری است. یکی از مشارکت‌کنندگان ضمن اشاره به اهمیت شناسایی ویژگی‌های محله در اجرای پایدار طرح گردشگری محله‌محور چنین اذعان می‌کند: «شما به‌عنوان مجری این طرح ابتدا باید ویژگی‌ها و مشخصات این محله را شناسایی کنید، براساس این ویژگی‌ها پتانسیل‌ها و چالش‌ها را شناسایی کنید و نهایتاً تصمیم بگیرید در این منطقه امکان پیاده‌سازی این شکل از گردشگری هست یا خیر. من براساس سابقه کاری و نوع فعالیت می‌گویم هست. اما خود شما هم در قدم اول باید ویژگی‌ها را مطالعه کنید. بعد براساس آن آماده طرح‌ریزی و اجرای طرح شوید. من می‌گویم تحقق گردشگری محله‌ای در اکباتان ممکن است، اما قدم اولش شناسایی ویژگی‌های این محله است. اگر پیش‌نیاز کلمه درستی باشد، می‌خواهم بگویم پیش‌نیاز تحقق گردشگری محله‌ای نه‌فقط در اکباتان که در تمامی محله‌های دنیا شناخت ویژگی‌های آن محله است.»

تدوین و طراحی برنامه جامع گردشگری مسئله دیگری است که در تحقق گردشگری محله‌ای در اکباتان اثرگذار است؛ نکته‌ای که هم‌اکنون به نتیجه نرسیده و لازمه تحقق صحیح و پایدار گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان است. از آنجا که این شکل از گردشگری در محله مورد نظر نوپدید است، همراهی تام ساکنین را می‌طلبد.

گفتمان‌سازی در این خصوص از اهمیت شایان توجهی برخوردار است و می‌تواند از بروز نارضایتی‌ها، بی‌اعتنایی‌ها و مخالفت‌ها در برابر توسعه این شکل از گردشگری در واحد اجتماعی محله جلوگیری کند. مشارکت مردمی ساکنان نیز با توجه به ماهیت این شکل از گردشگری، اهمیت زیادی در پایداری و توسعه اصولی آن دارد. مجموع این چهار عامل را می‌توان ذیل مقوله پیش‌شرط‌های تحقق گردشگری محله‌ای در اکباتان گنجانید.

ظرفیت‌های شهرک اکباتان یافته دیگر تحقیق است. این مقوله دربردارنده مفاهیم ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی، ظرفیت‌های کالبدی، فراکالبدی و ظرفیت تاریخی است. یکی از مشارکت‌کنندگان درخصوص ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی شهرک اکباتان می‌گوید: «تیپولوژی ساکنان به‌گونه‌ای است که غالباً تحصیل کرده و اهل فرهنگ‌اند. این ویژگی عامل مهمی در همراهی ساکنان با طرح‌های گردشگری است. علاوه بر اینکه خود ساکنان با چنین ویژگی‌هایی قادرند به‌مثابه نیروی انسانی دخیل در توسعه گردشگری محله‌ای ایفای نقش کنند. این هم یک ظرفیت و هم یک امتیاز حائز توجه است.» مشارکت‌کننده دیگری ضمن برشمردن ظرفیت

فراکالبدی منطقه به‌عنوان ظرفیتی مهم، در این خصوص چنین اذعان می‌کند: «علاوه بر ظرفیت کالبدی درخشانی که این منطقه دارد، ظرفیت فراکالبدی خوبی هم دارد. این ظرفیت فراکالبدی به شما به‌عنوان مجری، قدرت سناریوسازی را می‌دهد. این قدرت را می‌دهد که نسبت به سایر مقاصد و محله‌ها جاذبه متفاوتی داشته باشید. قتل بابک خرم‌دین یکی از این سناریوهای متفاوت است که شما باید از آن استفاده کنید.» مشارکت‌کننده دیگری در خصوص ظرفیت فراکالبدی این منطقه چنین اذعان می‌کند: «شما اینجا ظرفیت خوبی را برای اجرای تورهای گردشگری مقاومت دارید... دقیقاً دل اکباتان؛ و این ظرفیت خوبی را برای شما فراهم می‌کند که مخاطبان مشتاق را جذب کنید. کسانی که مشتاق بازدید و یادگیری در این موردند، اما امکان سفر به نقاط دورتر را ندارند.»

چالش‌ها و کمبودها مقوله مهم دیگر این محله برای اجرای گردشگری محله‌ای است. بر مبنای مصاحبه‌ها، این شهرک جهت جذب بازدیدکنندگان غیربومی با چالش‌ها و کمبودهایی مواجه است که یک نمونه مهم آن نبود زیرساخت‌های عمومی و همگانی چون سرویس‌های بهداشتی عمومی و پارکینگ عمومی است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص توضیح می‌دهد: «چالش مهمی که با آن روبه‌روید، کمبود سرویس‌های بهداشتی عمومی و سایر خدمات همگانی است. این چالش به شما اجازه نمی‌دهد جذب خوبی در گردشگر و بازدیدکننده خارجی داشته باشید.» چالش دیگر نوظهور بودن و نوپا بودن این شکل از گردشگری در محلی مسکونی است. روشن است که نبود گفتمان صحیح در این خصوص و نوپدید بودن این شکل از گردشگری برای ساکنان می‌تواند با ابهامات و چالش‌هایی همراه باشد و در نهایت به عدم همراهی یا ناراضی‌تانی آنان منجر شود. بدین ترتیب یکی از راهکارهای بهره‌مندی از ظرفیت نیروی انسانی فرهیخته در این محله، گفتمان‌سازی و سیاست‌گذاری اصولی در این خصوص است. چالش دیگر در این خصوص، کنترل ابعاد منفی توسعه گردشگری در یک محله است. در این زمینه یکی از مشارکت‌کنندگان می‌گوید: «خیلی واضح است که توسعه گردشگری در یک محله هم اثر مثبت و هم اثر منفی دارد. کنترل آثار منفی برای شما می‌تواند یک چالش باشد. چرا؟ چون کنترل خیلی موارد مثل آثار اقتصادی از دست شما خارج است. شما تنها یک مجری هستید یا نهایتاً یک سیاست‌گذار شهری و گردشگری که سیاست‌گذاری اقتصادی در دستتان نیست و مثلاً نمی‌توانید افزایش اجاره‌بها در اثر توسعه گردشگری در منطقه را کنترل کنید.» چالش مهم دیگری که مشارکت‌کنندگان پژوهش به آن اشاره کرده‌اند، رده سنی ساکنان است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص چنین اذعان می‌کند: «بازه سنی ساکنان اکباتان نشان از سالمند بودن اکثریت ایشان دارد. این مسئله اشاره به نیازهای خاص زیستی ساکنان چون نیاز به آرامش در منطقه و برقراری امنیت دارد. اکباتان از محله‌هایی است که شمار سالمندان در آن زیاد است و این تعداد در آینده نه‌چندان دوری رو به فزونی هم دارد. شما به‌عنوان سیاست‌گذار یا هر کس دیگری به برهم‌نخوردن شرایط مطلوب فعلی در کنار اجرای طرح‌های گردشگری ملزم‌اید.» در حالی که این موضوع می‌تواند به‌مثابه ظرفیتی جهت بهره‌مندی از نیروی انسانی فرهیخته و باتجربه و از دیگر سو چالشی بر سر راه اجرای شماری از طرح‌های گردشگری باشد. مفهوم شایان توجه دیگر محدودیت این شهرک به‌لحاظ ظرفیت‌پذیری است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص اذعان می‌کند: «در حال حاضر، جمعیت اکباتان با سرانه‌های موجود همخوانی دارد و در صورتی که بارگذاری جمعیتی بیش از توان شهرک باشد، کیفیت زندگی در آن به‌شدت کاهش خواهد یافت. برای برون‌رفت از این قصه، ما به برنامه‌ریزی و اقدامی نیاز داریم که حداقل در کوتاه‌مدت میسر نخواهد شد. پس لازم است در این خصوص حداقل تا میان‌مدت برای ورود گردشگر و بازدیدکننده به این منطقه به ظرفیت مکان توجه شود.»

تسهیلگرها و پیشران‌ها مقوله مستخرج دیگر پژوهش در خصوص تحقق گردشگری محله‌ای در اکباتان است. این مقوله در بردارنده مفاهیمی چون بهره‌گیری از مشارکت ساکنان، توجیه مزایای توسعه گردشگری در محله، بهره‌مندی از حمایت نهادهای دولتی و بهره‌گیری از حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص اذعان می‌کند: «مشارکت مردمی

پیش‌برنده طرح گردشگری محله‌ها است، تسریع‌کننده آن است و صد البته نقش تسهیل‌کنندگی سیاست‌ها را برعهده دارد. مشارکت مردمی به رضایت منجر می‌شود و در جذب نیروی کار و ارائه‌دهنده خدمات یاری می‌رساند. مشارکت به‌خودی‌خود روی نمی‌دهد و شما باید هم‌زمان با اجرای طرح بستر ساز مشارکت مردمی نیز باشید. از هر طریق و هر روشی که می‌دانید.»

امتیازات از جمله مقوله‌های قابل‌ذکری بود که مکرر اشاره می‌شد که محله نسبت به سایر محله‌های شهر در برگزاری تورهای محله‌محور دارد. یکی از امتیازات برشمرده توسط مشارکت‌کنندگان، وجود فضای تعاملی در این شهرک است. چنان‌که یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص توضیح می‌دهد: «ساختار فضایی در اکباتان به گسترش تعاملات جمعی کمک می‌کند. وجود فضاهای سبز و مواردی از این دست فضا را برای تعاملات جمعی باز می‌کند، بدون اینکه نیازی به صرف هزینه برای ساخت چنین فضاهایی باشد.» رویدادهای اجتماعی-فرهنگی، امتیاز دیگری است که فضا را برای برگزاری تورهای تخصصی، ویژه و نو اجتماعی، جنایی، گردشگری فیلم و روایتی فراهم می‌کند. پیشرفت مشارکتی رشته‌های ورزشی در این محله نیز به‌زعم شماری از مشارکت‌کنندگان امتیازی انکارناپذیر محسوب می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان در این خصوص می‌گوید: «به‌رغم آنکه در این شهرک مثل تمامی شهرک‌ها و محله‌ها، ورزشگاه و باشگاه موجود است، باید گفت بعضی رشته‌های ورزشی در این شهرک با مشارکت کامل مردمی شهرت پیدا کرده و اجرا می‌شود که یکی از هیجان‌انگیزترین آن‌ها پارکور است. وقتی ورزشکاران بدانند به این ورزش بها داده می‌شود، تورهایی برای تجربه یا تماشای آن‌ها از سراسر شهرها به اکباتان می‌آیند، فرایند گردشگرپذیری را در شهرک تسهیل می‌کنند. مردم‌محوری این ورزش یک امتیاز است که نباید دست‌کم گرفته شود.» مفهوم گنجانده‌شده دیگر در مقوله مذکور وجود مراکز و تسهیلات خدماتی پرشمار مانند رستوران‌ها و کافه‌ها برای گردشگران است.

یافته‌های پژوهش گویای آن است که امکان تحقق توسعه گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان با عنایت به ظرفیت‌های آن وجود دارد. با این حال توسعه پایدار و تحقق تام این شکل از گردشگری با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است که لازم است فعالان این حوزه در راستای رفع آن‌ها گام بردارند. همچنین یافته‌های پژوهش گویای آن است که تحقق این شکل از گردشگری در منطقه مورد نظر در گرو تحقق پیش‌شرط‌های آن است. توجه به پیشران‌ها و تسهیلگرها نیز در تسهیل توسعه گردشگری محله‌ای در منطقه مورد نظر نیز می‌تواند به تسریع و تسهیل در اجرای این طرح یاری رساند. در جدول ۲ به ارائه مقولات و مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها پرداخته شده است.

جدول ۲. مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه (مفاهیم)
پیش‌شرط‌ها	پیش‌شرط‌ها	لزوم شناسایی ویژگی‌های محله اکباتان
		لزوم گفت‌وگو سازی
		لزوم طراحی و تدوین طرح جامع گردشگری در شهرک اکباتان
ظرفیت‌ها	ظرفیت‌ها	لزوم بسترسازی در راستای جلب مشارکت مردمی
		بهره‌مندی از ظرفیت کالبدی
		بهره‌مندی از ظرفیت فراکالبدی
		بهره‌مندی از ظرفیت تاریخی
		بهره‌مندی از ظرفیت فرهنگی-اجتماعی
چالش‌ها و کمبودها	چالش‌ها و کمبودها	دسترسی آسان به‌مثابه ظرفیت
		کمبود زیرساخت‌های عمومی و همگانی
		چالش نوپدیدبودن گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه (مفاهیم)
امکان سنجی تحقق گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان	تسهیلگرها و پیشران‌ها	دشواری در کنترل پیامدهای منفی توسعه گردشگری محله‌ای در اکباتان
		چالش بازه سنی ساکنان شهرک اکباتان
		محدودیت ظرفیت‌پذیری در محله اکباتان
		تسهیلگری به واسطه بهره‌گیری از حمایت نهادهای دولتی
		تسهیلگری به واسطه بهره‌گیری از حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد
		تسهیلگری به واسطه بهره‌گیری از حمایت نهادهای غیرانتفاعی
		تسهیلگری به واسطه بهره‌گیری از مشارکت ساکنان
		توجه مزایای توسعه گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان به مثابه پیشران
		تسهیلگری به واسطه حمایت از شکل‌گیری تورهای تخصصی و نوین در سطح تبلیغات و عمل
		امتیاز بهره‌مندی رویدادهای اجتماعی-فرهنگی
امتیاز پیشرفت اجتماع محور رشته‌های ورزشی		
امتیاز بهره‌مندی از تسهیلات و مراکز پرشمار خدماتی تناسب تیپولوژی ساکنان با هدف		

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با اتکا به روش کیفی، به امکان‌سنجی تحقق گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان پرداخته شد. براساس یافته‌های تحقیق، برای اجرای ایده گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان، پیش‌شرط‌هایی لازم است که از جمله آن‌ها می‌توان به شناسایی ویژگی‌های محله و طراحی و تدوین طرح جامع گردشگری در این منطقه پرداخت. همچنین یافته‌ها گویای آن است که شهرک اکباتان از ظرفیت‌های مناسبی برای گردشگری محله‌ای برخوردار است که ظرفیت‌های فرهنگی-اجتماعی، ظرفیت‌های تاریخی، ظرفیت‌های کالبدی، فراکالبدی و ظرفیت تاریخی از جمله آن‌ها است. با این‌همه نمی‌توان با اتکای صرف به این ظرفیت‌ها مدعی تحقق تام و پایدار گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان شد؛ چرا که در کنار وجود چنین ظرفیت‌هایی، تحقق گردشگری محله‌ای در این شهرک با چالش‌هایی چون کمبود خدمات عمومی و همگانی مواجه است که می‌تواند با نارضایتی عمومی گردشگران و بازدیدکنندگان یا حتی ناکامی در جذب پایدار بازدیدکنندگان غیربومی همراه باشد. بدین ترتیب لازم است با همکاری و همیاری نهادهای مربوط، به رفع چالش‌ها و محدودیت‌های موجود پرداخت. علاوه بر این مقوله دیگری تحت عنوان تسهیلگرها و پیشران‌های تحقق گردشگری محله‌ای در اکباتان استخراج شده است که بیانگر لزوم بسترسازی مشارکت ساکنان، توجه مزایای توسعه گردشگری در محله، بهره‌مندی از حمایت نهادهای دولتی و بهره‌گیری از حمایت سازمان‌های مردم‌نهاد است. مجموعه این عوامل می‌تواند به مثابه پیشرانی در راستای تحقق طرح‌های گردشگری عمل کند. چنان‌که توسان (۱۹۹۹)، گوری و مروه (۲۰۲۴) و ما و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش‌های خویش اذعان کرده‌اند که بهره‌مندی از مشارکت ساکنان و بومیان، نقش شایان توجهی در پیشبرد و تسهیل طرح‌های گردشگری دارد. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش گویای آن است که امکان تحقق گردشگری محله‌ای در شهرک اکباتان در صورت توجه به پیش‌شرط‌ها، پیشران‌ها، کمبودها و ظرفیت‌ها مهیا است. همچنین از خلال گفته‌های مشارکت‌کنندگان می‌توان استنباط کرد که این شهرک ظرفیت بالقوه‌ای را در برگزاری تورهای تخصصی معماری، جنایی، فرهنگی، مقاومت و... دارد.

با عنایت به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود پیش از برگزاری بازدیدهای محله‌ای در اکباتان به بسترسازی در راستای جلب مشارکت مردمی و گفتمان‌سازی درخصوص آثار و مزایای توسعه گردشگری در محله‌ها پرداخته شود. از آنجا که یکی از عوامل دخیل در پایداری این شکل از گردشگری رضایتمندی و همکاری ساکنان است، پیشنهاد می‌شود در خلال پژوهش‌های میدانی به واکاوی نیازها، دغدغه‌ها و خواسته‌های ایشان در رابطه با توسعه گردشگری محله‌ای پرداخته شود.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- احمدی، اکبر، و جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۹). رتبه‌بندی محلات شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی با استفاده از رویکرد Fuzzy TOPSIS. *فصلنامه اقتصاد شهری*، ۵(۱)، ۱۲۷-۱۴۸. <https://doi.org/10.22108/ue.2021.124422.1151>
- بادکو، بهروز، قاسمی سیانی، محمد، و حسینی، سابق (۱۴۰۰). تأثیر گردشگری اجتماع‌محور بر توسعه جوامع روستایی از دیدگاه جامعه محلی: روستای هدف گردشگری شهرستان پاوه. *دوفصلنامه مطالعات علوم اجتماعی گردشگری*، ۹(۱۸)، ۲۰۵-۲۳۰. <https://doi.org/10.52547/journalitor.36164.9.18.0>
- باقری، علی، و میرالی، ایمان (۱۳۹۹). بررسی فقدان ساختار برنامه‌ریزی مشارکتی؛ تأثیر مشارکت در برنامه‌ریزی‌های شهرداری‌ها. *مدیریت تبلیغات و فروش (رهیافتی در مدیریت بازرگانی)*، ۱(۳)، ۹۰-۱۰۰.
- حاجی‌پور، خلیل (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی محله‌مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار. *نشریه هنرهای زیبا*، ۲۶، ۱-۱۲.
- حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی، کاوشی نظری در شرایط ایران. *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۲۴، ۱۵-۲۴.
- رفیعیان، مجتبی، امین صالحی، فرزین، و تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان. *آمایش فضا و ژئوماتیک*، ۱۴(۴)، ۶۳-۸۶.
- سرتیپی اصفهانی، محمدرضا (۱۴۰۱). محله به‌مثابه امکانی برای جذب گردشگر (همبستگی اجتماعی در محلات سنتی، عامل قوام حیات محله). *گردشگری و فرهنگ*، ۱۱(۳)، ۵۴-۵۷. <https://doi.org/10.22034/toc.2023.379591.1105>
- مرباغی، بهروز و دیگران (۱۳۹۶). *شهرک اکباتان مدنیت معاصر معماری ایران*. تهران: پیام.

- Ahmadi, A., & Jahangard, E. (2020). Ranking of Tehran's neighborhoods in terms of the level of prosperity and quality of life using the Fuzzy TOPSIS approach. *Urban Economy Quarterly*, 5(1), 127-148. <https://doi.org/10.22108/ue.2021.124422.1151> (In Persian)
- Alberti, M. (1991). Modeling the urban ecosystem: A conceptual framework. *Environment and Planning*, 26, 605-630. http://dx.doi.org/10.1007/978-0-387-73412-5_41
- Badko, B., Ghasemi Siani, M., & Hosseini, S. (2012). The impact of community-oriented tourism on the development of rural communities from the perspective of the local community: The target village for tourism in Paveh city. *Biannual Journal of Studies of Tourism Social Sciences*, 9(18), 205-230. (In Persian)
- Bagheri, A., & Mirali, I. (2019). Examining the lack of a collaborative planning structure; The effect of participation in municipal planning: Advertising and sales management. *An Approach in Business Management*, 1(3), 90-100. (In Persian)
- Bassano, C., Barile, S., Piciocchi, P., Spohrer, J. C., Iandolo, F., & Fisk, R. (2019). Storytelling about places: Tourism marketing in the digital age. *Cities*, 87, 10-20. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.12.025>
- Bock, K. (2015). The changing nature of city tourism and its possible implications for the future of cities. *European Journal of Futures Research*, 3, 1-8. <https://doi.org/10.1007/s40309-015-0078-5>

- Brokaj, R. (2014). Local Governments role in the sustainable Tourism development of a distination. *European Scientific Journal*, 10(31).
- Clarke, V. & Braun, V. (2013). Teaching thematic analysis: Overcoming chal-lenges and developing strategies for effective learning. *The Psychologist*, 26(2), 120-123.
- Dempsey, N., Bramley, G., Power, S., & Brown, C. (2011). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable development*, 19(5), 289-300. <http://dx.doi.org/10.1002/sd.417>
- Drilling, M., & Schnur, O. (2019). Neighborhood development. *The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies*, 1-5. <http://dx.doi.org/10.1002/9781118568446.eurs0215>
- Edgell, Sr., D. L., Swanson, J. R., & Allen, M. D. (2008). *Tourism Policy and Planning: Yesterday, Today, and Tomorrow*. Routledge: London.
- Enright M. J., Newton J. (2004). Tourism destination competitiveness: A quantitative approach. *Tourism Management*, 25(6), 777-788.
- Euromonitor International (2015) Top 100 City Destinations Ranking [Online]. Retrieved from: <http://blog.euromonitor.com/2023>
- Ferreira, S. A. M. (2015). *Location based transmedia storytelling: Enhancing the tourism experience* (Doctoral dissertation, Universidade do Porto (Portugal)).
- Figgis, P., & Bushell, R. (2007). Tourism as a tool for community-based conservation and development. In *Tourism and protected areas: benefits beyond boundaries. The Vth IUCN World Parks Congress* (pp. 101-114). Wallingford UK: CABI.
- Gohori, O., & van der Merwe, P. (2024). Barriers to community participation in Zimbabwe's community-based tourism projects. *Tourism Recreation Research*, 49(1), 91-104. <http://dx.doi.org/10.1080/02508281.2021.1989654>
- Habibi, S. M. and Saidi Rizvani, H. (2004). Participatory urban planning, a theoretical exploration in the conditions of Iran. *Fine Arts Quarterly*, 24, 15-24. (In Persian)
- Hajipour, K. (2006). Neighborhood planning is the basis of an efficient approach in creating sustainable urban management. *Journal of Fine Arts*, 26, 1-12. (In Persian)
- Heyer, J., Roberts, D., & Williams, G. (1981). *Rural development in tropical Africa*. London, UK: Macmillan.
- Jamal, T., & Stronza, A. (2009). Collaboration theory and tourism practice in protected areas: Stakeholders, structuring and sustainability. *Journal of Sustainable tourism*, 17(2), 169-189. <https://doi.org/10.1080/09669580802495741>
- Ma, X. L., Yang, L., Wang, R., & Dai, M. L. (2024). Community participation in tourism employment: A phased evolution model. *Journal of Hospitality & Tourism Research*, 48(2), 380-403. <http://dx.doi.org/10.1177/10963480221095722>
- Mansilla, J. A., & Milano, C. (2022). Becoming centre: Tourism placemaking and space production in two neighborhoods in Barcelona. *Tourism Geographies*. <https://doi.org/10.1080/14616688.2019.1571097>.
- McMillan, D. W., & Chavis, D. M. (1986). Sense of Community: A Definition and Theory. *Journal of Community Psychology*, 14, 6-23. [https://psycnet.apa.org/doi/10.1002/1520-6629\(198601\)14:1%3C6::AID-JCOP2290140103%3E3.0.CO:2-I](https://psycnet.apa.org/doi/10.1002/1520-6629(198601)14:1%3C6::AID-JCOP2290140103%3E3.0.CO:2-I)
- Merbaghi, B., Tavakoli, S. F., Hatamnejadian, N., Khosravi, E., Rahimi-Kelhroudi, F., & Kaousian, K. (2016). *Ekbatan town, the contemporary civility of Iranian architecture*. Tehran: Payam. (In Persian)
- Mitchell, B. (1997). *Resource and environmental management*. Harlow, OH: Longman.
- Moscardo, G. (2020). Stories and design in tourism. *Annals of Tourism Research*, 83, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2020.102950>
- Muganda, M., Sirima, A., & Ezra, P. M. (2013). The role of local communities in tourism development: Grassroots perspectives from Tanzania. *Journal of Human Ecology*, 41(1), 53-66. <http://dx.doi.org/10.1080/09709274.2013.11906553>
- Mullins (2009). Tourism Urbanization. *International Journal of Urban and Regional Research*, 15(3), 326-342. <http://dx.doi.org/10.1111/j.1468-2427.1991.tb00642.x>

- Murbaghi, B. et al. (2016). Ekbatan town, the contemporary civility of Iranian architecture. Tehran: Payam. (*In Persian*)
- Pasquinelli, C. (2015). Urban tourism(s): Is there a case for a paradigm shift? *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2584894>
- Perdue, R. R., Long, P. T., & Allen, L. (1990). Resident support for tourism de-velopment. *Annals of Tourism Research*, 17(4), 586-599. [https://doi.org/10.1016/0160-7383\(90\)90029-Q](https://doi.org/10.1016/0160-7383(90)90029-Q)
- Rafiyani, M.; Amin Salehi, F. and Tagvai, A. A. (2008). Measuring the quality of living environment in Ekbatan town. *Space and Geomatics*, 14(4), 63-86. (*In Persian*)
- Richards, G. (2018). Cultural tourism: A review of recent research and trends. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 36, 12–21. <http://dx.doi.org/10.1016/j.jhtm.2018.03.005>
- Rosalina, P. D., Dupre, K., & Wang, Y. (2021). Rural tourism: A systematic literature review on definitions and challenges. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 47, 134-149. <https://doi.org/10.1016/j.jhtm.2021.03.001>
- Ruhanen, L. (2004). Strategic planning for local tourism destinations: an anal-ysis of tourism plans. *Tourism and Hospitality Planning & Development*, 1(3), 239-253. <http://dx.doi.org/10.1080/1479053042000314502>
- Sartipi Esfahani, M. R. (1401). The neighborhood as a possibility to attract tourists (social solidarity in traditional neighborhoods, a factor in the vitality of the neighborhood). *Journal of Tourism and Culture*, 11(3), 544-57. <https://doi.org/10.22034/toc.2023.379591.1105> (*In Persian*)
- Smith, M. K. (2016). *Issues in cultural tourism studies* (3rd Ed.). London: Routledge.
- Soleimani Mehranjani, M., Karami, T., Kamanrodi Kojori, M., & Esfandyarimehni, H. (2022). The Qualitative Meta-Analysis of Neighbourhood Studies in Iran Emphasizing Researches of Urban Geography. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 12(44), 1-4. <http://dx.doi.org/10.22111/GAIJ.2022.41518.2993>
- Suansri, P. (2003). *CBT, Community Based Tourism*. <http://www.rest.or.th/studytour/medias/chapter1eng.pdf>